جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید احمد قصیر
کوچه چهاردهم غربی پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۷۵۸ | شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ | ۲۹ شوال ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۰۶ | اذان مغرب: ۱۹:۲۶ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۳:۱۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۵۵ |

دیده‌بان

ثبت آثار مولانا و ۲ اثر دیگر به نام ایران در یونسکو

سفیر جمهوری اسلامی ایران در یونسکو از ثبت سه اثر، از جمله مجموعه آثار مولانا به نام ایران در فهرست حافظه جهانی یونسکو خبر داد.

به گزارش ایسنا، نمایندگی ایران در یونسکو - پاریس، اعلام کرد: سه اثر پیشنهادی ایران، برای ثبت در «فهرست حافظه جهانی» از تصویب شورای اجرایی سازمان یونسکو گذشت. این آثار بنابر آنچه نمایندگی ایران در یونسکو اعلام کرده است، شامل «مجموعه آثار مولانا(مثنوی، دیوان کبیر، مجالس سبعه، مکتوبات و فیه‌مافیه)»، «اسناد روابط خارجی ایران در دوره قاجار» و «اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی» است.

برنامه حافظه جهانی یونسکو که از سال ۱۹۹۲ تأسیس شده است، وظیفه ثبت میراث مکتوبی را که دارای ارزش جهان‌شمول شناخته می‌شوند، بر عهده دارد. شورای کارشناسان بین‌المللی زیر نظر سازمان یونسکو، ارزش آثار معرفی‌شده را بررسی و بر اساس ملاک‌های فنی ابراز نظر می‌کند. سپس شورای اجرایی یونسکو، متشکل از ۵۸ کشور جهان با بررسی اسناد ذی‌ربط برای درج عنوان آثار در فهرست جهانی، تصمیم می‌گیرد. از اهداف اصلی این فهرست، علاوه بر معرفی این میراث به همگان، حفظ و نگهداری بهتر و ایجاد فضای مناسب برای ایجاد دسترسی به پژوهشگران عنوان شده است. پیش از این، ۱۰ اثر در فهرست حافظه جهانی یونسکو به نام ایران ثبت شده بود که شاهنامه بایسنقری فردوسی، وقف‌نامه ربع رشیدی، مجموعه اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی، التفهیم ابوریحان بیرونی، پنج گنج نظامی، مجموعه برگزیده نقشه‌های دوره قاجار، ذخیره خوارزمشاهی اسماعیل جرجانی، مسالک‌الممالک اصطخری، کلیات سعدی و جوامع‌التواریخ از آن جمله بوده است.

درگذشت کارگردان تئاتر براثر سکته قلبی

رضا حداد، کارگردان تئاتر صبح روز گذشته ۲۹ اردیبهشت‌ماه بر اثر سکته قلبی از دنیا رفت.

رضا حداد متولد ۱۳۴۸ دانش‌آموخته کارگردانی تئاتر از دانشگاه هنر و معماری بود که تجربه بازیگری در نمایش «باغ مرگ» به کارگردانی سیامک احصایی را در سال ۸۹ داشت. سرپرستی گروه سایه و گروه تئاتر آفتاب از جمله فعالیت‌های او بود و نمایش‌های «مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش»، «آمدیم، نبودید، رفتیم» و «کابوس‌های خنده‌دار برای شب، چند تایی هم برای روز» از جمله آثاری است که کارگردانی کرده است. رضا حداد به دلیل سکته قلبی در منزلش از دنیا رفته است.

مدیرکل موزه‌ها خبر داد

۱۳ محموله تاریخی به ایران پس داده می‌شود

مدیرکل موزه‌ها از به سرانجام رسیدن ۱۳ پرونده استرداد اشیای تاریخی و پیگیری برای بازگشت پرتره مظفرالدین‌شاه و الواح هخامنشی به ایران خبر داد.

مرتضی ادیب‌زاده در مراسم گرامیداشت روز جهانی موزه‌ها که در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برگزار شد، گفت: ۱۳ پرونده استرداد اشیای تاریخی داشتیم که با همکاری وزارت امور خارجه این پرونده‌ها را پیگیری کردیم و در حال انجام است. او درباره کشفیات اخیر یگان حفاظت میراث فرهنگی گفت: به تازگی ۳ هزار و ۶۰۰ قطعه شیء تاریخی ارزشمند در فرودگاه امام خمینی(ره) توقیف شد. نیروهای یگان حفاظت میراث فرهنگی و نیروهای فراجا عزم جدی برای مبارزه با قاچاق اشیای تاریخی دارند. لوح نقش برجسته ساسانی نیز به ایران بازمی‌گردد و پیگیر بازگرداندن «پرتره مظفرالدین شاه» و «الواح هخامنشی» هستیم.

سال گذشته انتشار عکسی از کاخ گلستان از مفقود شدن تابلو پرتره مظفرالدین‌شاه خبر داد. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پس از بررسی اسناد کاخ گلستان تأیید کرد که تابلو چهره مظفرالدین‌شاه در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۶۱ از مجموعه کاخ خارج و بعدها از طریق قاچاق به خارج از کشور منتقل شده و به فروش رفته است. پرتره رنگ روغن مظفرالدین‌شاه قاجار با امضای کمال‌الملک - نقاش شهیر ایرانی - سال ۲۰۰۰ میلادی، در حراجی کریستیز بریتانیا به قیمت ۴۴ هزار و ۶۵۰ پوند انگلیس فروخته و بعدها در موزه‌ای در کویت شناسایی شد.

مدیرکل موزه‌ها از اضافه شدن ۳۱ موزه خصوصی وابسته و غیروابسته به موزه‌های کشور خبر داد و افزود: در حال حاضر ۸۲۸ موزه در سطح کشور فعال هستند. از توسعه فضاهای کمی فاصله گرفتیم تا به ارتقای کیفی برسیم.

دیدگاه حسن بنیانیان در رابطه با تحولات فرهنگی جامعه به بهانه نمایشگاه کتاب تهران

فرهنگ را از زیر دست و پای سیاست بیرون بکشیم

حسن بنیانیان به بهانه سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب تهران دست به قلم شده است. یادداشت این مدیر باسابقه و پیشکسوت فرهنگی که برای انتشار به «جوان» ارسال شده است به نکات جالبی اشاره دارد که می‌تواند برای ارتقای دیدگاه و عملکرد فرهنگی همه مدیران راهگشا باشد.

در طول دهه‌های اخیر با ورود فناوری‌های جدید، همواره شاهد پیامدهای مثبت و منفی این فناوری‌ها در سبک زندگی بوده‌ایم. به تبع وجود این پیامدهای مثبت و منفی، اندیشه‌ورزان جامعه در دو طیف مخالف و موافق تقسیم می‌شدند و به‌تدریج طیف موافق غلبه کرده و مخالفان به حاشیه می‌رفتند. البته جامعه نیز با انعطاف و تطبیق خود تا اندازه‌ای از بسیاری از این آسیب‌ها، کاسته است.

تکرار این تجربه، در متن خود آسیب بزرگ‌تری را نهادینه ساخته و آن بی‌تفاوتی به آسیب‌های گسترده در پذیرش فناوری‌های جدیدی است که در نفس خود تحولات بس عظیمی را در زندگی ما زمینه‌سازی خواهد کرد.

گسترش سریع فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی از جمله تحولاتی است که در کنار دهها اثر سازنده و مثبت خود، نقش گسترده‌ای در تحولات فرهنگی جامعه ما دارد که اگر آگاهانه و با سرعت با بهره‌گیری از همه دانش و تجربه بشری برای کنترل و هدایت این آسیب‌ها اقدام نکنیم، بسیاری از سرمایه‌های ناب فرهنگی ما را از بین خواهد برد.

از جهت توجه به ابعاد ناشناخته فناوری‌های جدید ارتباطی، به چند نمونه اشاره می‌کنم. در طول قرن‌های متمادی. مسجد، عالم دینی، مرقد شریف ائمه اطهار، مرقد امامزاده‌ها، مراسم خاص در عزاداری‌ها و میلادها، نذر و وقف و وجوه شرعی، در یک نظام‌واره هم افزا، نسل به نسل باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مبتنی بر دین الهی را منتقل نموده است. ستون فقرات این انتقال، تأثیر و احترام قائل شدن برای سلسله مراتب نسلی و وجود احترام بزرگتر، احساس نیاز و مشورت با پدران و مادران و در مسائل کلیدی‌تر با عالمان دینی بوده است و در حلقه‌ای بزرگتر حفظ آبرو در محله و موقعیت شغلی، افراد را به دوراندیشی و حفظ آبرو و احترام به ارزش‌های اجتماعی وا می‌داشت. احساس دین به مردمان محل تولد، شهر و وطن به‌صورت طبیعی و تدریجی شکل می‌گرفت و در موقعیت‌های حساس، لشکری برای مقابله با دشمنان دین و وطن فراهم می‌کرد.

فضای مجازی نقش گسترده‌ای در تحولات فرهنگی جامعه ما دارد و اگر آگاهانه برای کنترل آسیب‌های آن اقدام نکنیم بسیاری از سرمایه‌های ناب فرهنگی را از بین خواهد برد

حالا فضای مجازی و فناوری‌های جدید ارتباطی با سرعت در حال نابودسازی و دگرگون نمودن همه این روابط است. پدر مشغول کار، مادر درگیر آماده کردن غذا اما نوجوان در فضای مجازی با دنیایی از اطلاعات سطحی، احساس می‌کند باید به پدر و مادر برای شناخت بسیاری از چیزها آموزش دهد و آنها هستند که باید برای گذران زندگی از او کمک بخواهند. دیگر در هیچ موضوعی نیاز به مشورت نمی‌بینند، زیرا با یک واژه می‌تواند از درون اینترنت مطالب زیادی جمع‌آوری کند یا از هم‌سن‌های خود نظرخواهی نماید.

پدران و مادران احساس می‌کنند قدرت رهبری و مدیریت فرزند را از دست داده‌اند، مدیران مدارس موضوع تربیت را متأثر از تأثیر فضای مجازی غیرممکن می‌بینند. با هر فعال فرهنگی سخن بگویید در عمق وجود خود، برای اثربخشی زحمتی که می‌کشد دچار شک و تردید است.

■ فضای مجازی و انتظاراتی که دامن می‌زند

فضای مجازی با اتصال به همه عرصه‌های جهانی، هر لحظه انتظارات جدیدی را از دولت‌ها در مردم دامن می‌زند. انتخابات پی‌درپی از رهگذر فضای مجازی به این انتظارات دامن می‌زنند. نبودن سازوکارهای مناسب برای ساماندهی انتخابات، این انتظارات را در میان‌مدت به بی‌اعتمادی به حاکمیت تبدیل می‌کند. دشمن با بهره‌گیری از فضای مجازی هرچند سال یک بار با دامن زدن به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی تلاش می‌کند کارآمدی نظام سیاسی کشور را زیر سؤال ببرد.

انفعال دولت‌ها و مجالس در پاسخگویی به نیازهای روزافزون اقتصادی، چاره‌اندیشی برای این گونه تحولات پرشتاب فرهنگی را به حاشیه برده و موضوع حل مسائل اقتصادی را در صدر رسالت‌های دولت‌ها نشانده است.

با این توضیحات، حتماً سؤال پیش می‌آید این مباحث چه نسبتی با کتاب و کتابخوانی دارد. پاسخ این است که کافی است تصور کنیم دولت و مجلسی داشته باشیم با برنامه‌ای جامع و با نگرشی نظام‌مند که با انتخاب‌های درست، مدیران شایسته‌ای را برای پست‌های کوچک و بزرگ انتخاب کنند و این مدیران این پیش‌فرض را نداشته باشند که این دولت دو سال دیگر می‌رود و ما هم رفتنی هستیم و باید چند کار چشم‌پرکن اقتصادی یا عمرانی انجام دهیم، بلکه خود را موظف به اجرای برنامه بلندمدتی ببینند که همزمان همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را مدنظر قرار داده و با حل هر کدام از مسائل کمکی خواهد بود برای حل سایر مسائل و میزان ارزیابی از موفقیت هر وزیر و مدیری.

■ وظایف مدیران فرهنگی جمهوری اسلامی

برخلاف برداشت غلط موجود، همه مدیران، همه وزارتخانه‌ها، همه سازمان‌ها، چه بفهمند، چه نفهمند در هر حوزه‌ای فعالیت می‌کنند، نقشی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارند و وقتی بیشترین بازدهی را دارند که تصمیماتی را اتخاذ کنند که بیشترین نقش را در اصلاح اقتصاد، فرهنگ و حل مسائل اجتماعی داشته باشد. در چنین فضایی از دولت و مجلس مطلوب ما، همه مدیران خود باید مطالعه کنند، باید روی اصلاح عملکرد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کارکنان خود فعالیت‌های تحقیقاتی کنند و برای اصلاح آن، نهضت‌های آموزش کاربردی راه بیندازند. به کارکنان خود کمک کنند که امکان مدیریت کودک، نوجوان و جوان خود را پیدا کنند. همه مدیران برای بازگرداندن اعتماد تضعیف شده به نظام سیاسی باید روی نحوه عرضه خدمات خود پژوهش کنند و پس از کشف نقاط ضعف، کارکنان خود را تحت آموزش قرار دهند و اینها در کنار ضرورت جبران بی‌توجهی‌های گذشته به ظرفیت‌هایی است که در مساجد موجود بوده و هست تا مسجد پایگاه فرهنگی محله شود.

هیئت‌ها باید با پیداکردن ظرفیت‌های جدید، پاتوق نوجوانان و جوانان فراخوانده شده از پای موبایل‌ها شوند، و مدارس در دل محلات در بعد از تعطیلی رسمی کلاس‌ها با کمک همان دبیران و معلمان مدرسه مربیانی برای گرد هم آمدن دانش‌آموزان در فضایی از کاربرد انواع هنرها برای ایجاد نشاطی در چارچوب قیودات اسلامی باشند.

وقتی این همه در کنار هم دیده شد، تازه متوجه می‌شویم هر نوجوان، جوان و هر کارمند و کارگری، هر مدیر و کارشناسی متناسب و به اقتضای ظرفیت‌ها و کاستی‌هایی که دارد کتابی می‌خواهد و کتاب‌نویسی، تا جامعه از آسیب‌های مخرب گسترش لحظه به لحظه فضای مجازی عبور کند و برای حفظ سرمایه‌های کشور تعادلی منطقی بین میزان حضور در فضای مجازی و تعامل زنده و رودررو با اطرافیان خود برقرار کنیم. و این از ابزار کتاب و کتابخوانی ساخته است. تا پدر متناسب با سن و مسئله خاص فرزند خویش کتاب تهیه کند و مدیر سازمان متناسب با نقاط قوت و ضعف بینشی و دانشی کارمند خود، کتاب طلب کند و روحانی شمال شهر متناسب با موقعیت شمال شهر دانش خود را بازسازی نماید و امام جمعه، متناسب با منطقه و مخاطب خاص خویش کتاب مطالعه کند و مدیر مدرسه نیز به اقتضای رسالت تربیتی که از تک‌تک معلمان طلب می‌کند در جست‌وجوی کتاب مناسب باشد والی آخر. ان‌شاءالله.

حکمت

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام:

ای فرزند آدم! امروز غصه فردا را نخور؛ زیرا اگر فردا جزو عمرت باشد خداوند روزی تو را در آن روز می‌رساند.

حکمت ۲۶۷ نهج‌البلاغه

نما | حسین کشتکار

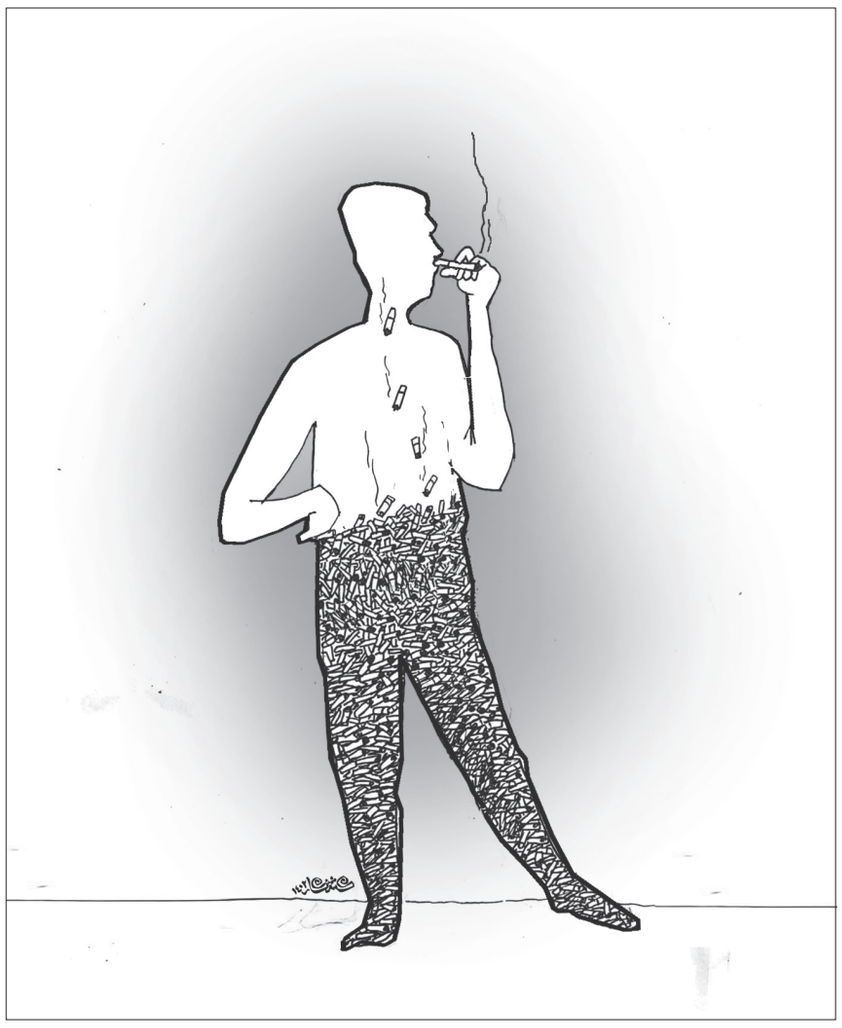

یادداشت

تجربه کتاب و معلم استرالیایی پسرم

محمدحسن قدیری‌ابیانه
فعال فرهنگی

سال ۱۳۶۹ به عنوان سفیر در استرالیا منصوب و مشغول به کار شدم. آن زمان سه پسر داشتم اولی ده‌ساله و کلاس پنجم ابتدایی، دومی سه‌ساله و سومی شیرخواره بود. فرزند اولم را در یک مدرسه استرالیایی ثبت‌نام کردیم و همسرم پیگیر تحصیل آنها بود. یک روز با مربی مهد کودک درباره فرزند سه‌ساله‌ام صحبت کردم. گفت استعداد ریاضی او خوب است و ویژگی‌های رهبری‌اش قوی است. تعجب کردم که او چگونه استعداد ریاضی و سایر ویژگی‌های رهبری را در پسر سه‌ساله تشخیص داده است. تصمیم گرفتم به مهد کودک بروم و با مربی صحبت کنم. روی یک کیسه ساده پلاستیکی اسم او را نوشته بودند و او هر روز یک کتاب با خود به خانه می‌آورد. کتاب‌ها از صفحات مقوایی تشکیل شده بود تا کودکان نتوانند آن را پاره کنند. در این کتاب‌ها فقط عکس بود عکس‌های مختلف حیوانات و....

در کلاس مهد کودک کتابخانه کوچکی وسط کلاس بود، طوری که بچه‌ها راحت می‌توانستند کتاب‌ها را بردارند. همچنین اسباب‌بازی‌های مختلف روی قفسه‌های کتابخانه اطراف اتاق وجود داشت. از مربی پرسیدم شما چطور تشخیص دادید که پسر سه‌ساله من استعداد ریاضی دارد، گفت: «از نوع کتاب‌هایی که برمی‌دارد و اسباب‌بازی‌هایی که انتخاب می‌کند. نقاشی‌هایی که می‌کشد خیلی ریز و با جزئیات است و این نشانه داشتن ویژگی‌های رهبری است.» پسر سه‌ساله‌ام هر روز یک کتاب به خانه می‌آورد و باید آن را مطالعه می‌کرد، بعد برای بچه‌های مهد کودک کنفرانس می‌داد. همان طور که ذکر کردم در کتاب‌ها عکس‌های مختلفی از قبیل عکس حیوانات بود که درباره آنها کنفرانس می‌داد. مثلاً می‌گفت شیر قوی است، زرافه گردن و پاهای دراز دارد، مار نیش می‌زند. همین پسرم بعدها که به ایران برگشتیم زمانی که دبستانی بود به برنامه‌های علمی تلویزیون خیلی علاقه نشان می‌داد و با دقت پای این برنامه‌ها می‌نشست.

در استرالیا پس از بازدید از مهد کودک تصمیم گرفتم به مدرسه پسر اولم بروم. در وسط کلاس آنها کتابخانه‌ای بود پر از کتاب‌هایی که مناسب سن او بود. او هم هر هفته باید یک کتاب با خود به خانه می‌آورد، خلاصه‌نویسی می‌کرد و در کلاس درباره کتاب برای همکلاسی‌های خود کنفرانس می‌داد. این دو پسرم اهل مطالعه و نویسندگی بار آمدند.

سال‌ها بعد آن پسرم که مهد کودک می‌رفت در سن ۱۴ سالگی اولین مقاله‌اش در صفحه کودکان یک روزنامه معتبر چاپ شد و فرزند اولم در سن ۱۸ سالگی سرمقاله‌نویس یک روزنامه معتبر شد. این دو فرزندم هفته‌ای نیست که یک کتاب قطور را مطالعه نکنند و فیش‌برداری نداشته باشند. فرزندی که آن زمان کودکستان می‌رفت، تاکنون چند کتاب نوشته است و یکی از کتاب‌های او در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. او اکنون یک سخنران حرفه‌ای شده است که در محافل مختلف دانشگاهی سخنرانی دارد و کانال‌های او در شبکه‌های اجتماعی پرشمار و تأثیرگذار است. به تازگی رساله دکتری حقوق بین‌الملل را تحویل داده است و انتظار تعیین وقت برای دفاع از رساله خود را دارد. در عین حال به تدریس در چند دانشگاه مشغول است. فرزند اولم هم که آن زمان به دبستان می‌رفت علاوه بر اهل مطالعه بودن، قلمی قوی و حتی ذوق شاعری دارد؛ البته همسرم همواره کیهان بچه‌ها را می‌خرید و برای آنها با آب و تاب می‌خواند تا به خواندن علاقه پیدا کنند.

می‌خواهم بگویم با حلوا حلوا کردن دهان شیرین نمی‌شود. برای اینکه فرزندان این سرزمین اهل مطالعه شوند نباید به گفتن این عبارت که مطالعه خوب و ضروری است، اکتفا کرد، بلکه باید راه‌هایی را پیدا کنیم تا ساعات مفید مطالعه بالا برود و تجربه استرالیا نمونه خوبی است تا فرزندان را از کودکی به کتاب و مطالعه علاقه‌مند کنیم تا در بزرگسالی از کتاب غافل نباشند. من معتقدم علاوه بر اینکه فرزندان‌مان را باید اهل مطالعه بار بیاوریم و باید ترتیبی اتخاذ کنیم که نویسنده نیز بشوند برای این کار هم باید چاره‌ای اندیشید. مثلاً باید در مقطع راهنمایی و دبیرستان فیش‌برداری و منبع‌نویسی را هم بیاموزند و با نرم‌افزارهای مربوطه و نیز روش آرشیو کردن اطلاعات آشنا شوند، به نحوی که بتوانند مطالب را به راحتی بازیافت کرده و از آن در نوشتن مقالات یا کتب استفاده کنند. توصیه من این است که خاطره‌نویسی را در دستور کار فرزندان خود قرار بدهند. خود من به فرزندانم و همسران‌شان توصیه کرده‌ام تا از لحظه تولد فرزندان‌شان شروع به نوشتن خاطرات کنند و به محض اینکه فرزند شروع به نوشتن می‌کند حتی شده یک جمله با غلط‌های املایی خودشان بنویسند. این شیوه در آینده می‌تواند خوراک تهیه کتاب‌های خاطرات‌شان نیز بشود. اخیراً دستخط یکی از فرزندانم را که تازه نوشتن یاد گرفته بود لای کاغذهای قدیمی پیدا کردم. او نامه‌ای خطاب به امام زمان (عج) نوشته بود با این مضمون که «امام زمان بیا، ولی حالا نیا. صبر کن بزرگ شوم که بتوانم فرمانده سپاهت شوم.» خلاصه آنکه اعتقاد دارم نمایشگاه کتاب فرصت خوبی است تا والدین به انتخاب کتاب‌هایی بپردازند که از آن طریق فرهنگ کتابخوانی را در فرزندان خود نهادینه سازند.

ساعت مفید مطالعه و نیز تیراژ کتاب‌ها عموماً در ایران پایین است و البته استثنا دارد. همگان نیز بر ضرورت بالا رفتن ساعت مطالعه تأکید دارند اما با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود، باید دید چه کار کنیم تا ساعت مفید مطالعه بالا برود، ضمن اینکه معتقدم علاوه بر بالا بردن ساعات مفید مطالعه باید حتماً نویسندگی را نیز رواج دهیم.

گزارش

ضعف هنر و فرهنگ در آگهی نماهای فرزندآوری

■ مصطفی شاه‌کرمی

نصب عکس‌های بزرگ روی تابلوهای شهری یا اتوبان‌ها و معابر از سوی سازمان زیباسازی شهرداری تهران که با عنوان «بچه زیادش خوبه» انجام شده است، اولین چیزی را که به ذهن متبادر می‌کند این است که طراحان این بنرها یا به طور کامل از فکر و ایده هنری برای تبلیغات بی‌بهره‌اند یا هدف‌گذاری این بیلبوردها، اثرگذاری معکوس بوده است.

بنرها و بیلبوردهایی که با بدترین کیفیت چاپ روی پررفت‌وآمدترین معابر تهران قرار گرفته‌اند، گویی قرار است مخاطب را تشویق به فرزندنیاوردن کنند، چرا که یک ضد تبلیغات تمام‌عیار هستند. ظلم دیگر این بیلبوردها این است که مردها در این تصاویر بی‌کیفیت و کدر اغلب ریش دارند و زنان چادری هستند. انگار طراحان قصد دارند به مخاطب القا کنند صرفاً یک قشر در ایران مخاطب این بنرها هستند و فرزندآوری صرفاً وظیفه قشر مذهبی و حزب‌اللهی است.

در جهانی که دیگر همه تبلیغات به سمت انتقال پیام به شکل غیرمستقیم می‌روند، تبلیغات مستقیم همراه با پرهیز از گرافیک و طراحی مناسب خود می‌تواند یک دهن‌کجی آشکار به موضوع فرزندآوری باشد. امروزه و از دیرباز طراحی‌های شهری برای تبلیغات بیش از هر زمان دیگری به سمت استفاده از هنر گرافیک رفته‌اند و با زبان روز با مردم سخن می‌گویند و بیلبوردهای شهرداری تهران فقط می‌تواند یک ضد تبلیغ جانانه برای فرزندآوری محسوب شود.

عطیه همتی، فعال رسانه‌ای در رابطه با تأثیر تبلیغات محیطی و گل‌درشت و مستقیم فرزندآوری از سوی دستگاه‌هایی مثل شهرداری به «جوان» می‌گوید: اینکه یک پوستر یا بنر چقدر توان اثرگذاری در مسئله مهمی مثل بچه‌دار شدن و فرزندآوری دارد خودش بحث مجزایی است ولی قطعاً می‌توان گفت که چنین مسئله‌ای نمی‌تواند برای فرزندآوری در بین زوج‌های جوان علقه‌ای ایجاد کند. چه اینکه این مسئله با مباحث پیچیده و متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه است و با یک عکس خانوادگی که نمونه آن در آلبوم خانواده‌ها به وفور پیدا می‌شود، هیچ باری از روی دوش فرزندآوری و مسئله جمعیت بلند نمی‌شود. به‌خاطر مسائل و مشکلات عدیده آنقدر فضای پیرامون یک خانواده مملو از حرف‌هایی مثل اینکه «مگر دیوانه‌ای که می‌خواهی [در این شرایط بد اقتصادی] بچه‌دار شوی؟»

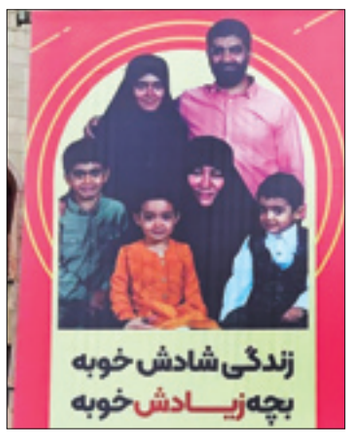

شده که چنین تبلیغاتی را بی‌فایده و بلااثر می‌کند. این مسئله در مورد بحث پوسترهای تبلیغ‌کننده مسئله مهم حجاب هم صادق است و چنین نگاه‌هایی وجود دارد. نکته اینجاست که ما در این موضوعات کم‌کاری‌های فرهنگی زیادی داریم که حتماً با بنر و عکس و تابلو بر طرف نمی‌شوند. متأسفانه چنین اقداماتی بیشتر از آنکه به امید اثرگذاری باشد بیشتر شبیه بهتر کردن بیلان کاری مدیران است.»

همتی به این نکته اشاره می‌کند که روشن است مقوله مهم بچه‌دار شدن به عوامل بسیار زیادی از جمله مسکن، شغل، معیشت و درآمد والدین وابستگی مستقیمی دارد و والدین و زوج‌های جوانی که گرفتار مصائب چند لایه اقتصادی هستند و توان اقتصادی آنها در سراشیبی قرار گرفته با دیدن این تبلیغات نه تنها به مسئله فرزندداشتن فکر نمی‌کنند بلکه با تمسخر افکار کسانی که بیت‌المال را صرف چنین تبلیغات بلاوجهی می‌کنند، ممکن است به ورطه لجبازی هم بیفتند. نکته دیگر چنین تبلیغاتی بحث هزینه‌های آن است که از محل همین گرانی‌ها و تورم و عوارض شهری کسب می‌شود که از جیب همین والدین بیرون کشیده شده است. نکته پایانی اینکه یک مشکل فرهنگی که چندین سال همه دستگاه‌های حاکمیتی به اشتباه آن را ترویج کرده‌اند با چند عکس و تبلیغات گل درشت اصلاح نمی‌شود بلکه نیازمند استراتژی و راهبردهای متفکرانه است نه تبلیغاتی که ممکن است اثر معکوس داشته باشد.

نشر

در قالب کتاب «مویه کن سرزمین محبوب»

ترجمه نادر ابراهیمی پس از سال‌ها تجدید چاپ شد

چگونگی محرومیت سیاهان در طول تاریخ و عوامل از هم پاشیدگی قبایل آنها موضوع کتابی است که مرحوم نادر ابراهیمی آن را ترجمه کرده و به تازگی از سوی انتشارات امیرکبیر تجدید چاپ شده است.

انتشارات امیرکبیر که امسال با بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب چاپ اولی و تجدیدچاپ شده در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور یافته است، چاپ سوم کتابی از نادر ابراهیمی را در غرفه خود عرضه می‌کند. یکی از کتاب‌هایی که انتشارات امیرکبیر به تازگی چاپ جدید آن را روانه بازار کرده است، «مویه کن سرزمین محبوب» نام دارد. این کتاب را «آلن پیتون» نوشته است و مرحوم «نادر ابراهیمی» و «فریدون سالک» به ترجمه آن پرداخته‌اند. چاپ دوم این کتاب بیش از ۱۵ سال پیش توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده بود. این انتشارات در سال ۱۴۰۱ چاپ سوم این کتاب را در ۳۴۶ صفحه روانه بازار کرده است.

«گریه کن سرزمین محبوب» کتابی است که یک داستان حماسی را روایت می‌کند. نویسنده در این داستان سعی کرده است چگونگی محرومیت سیاهان در طول تاریخ و عوامل از هم پاشیدگی قبایل آنها را به تصویر بکشد. همچنین آلن پیتون در داستان خود به تلاش سیاهان برای حفظ سرزمین و احقاق حقوق از دست رفته‌شان اشاره کرده است. برخی رمان مویه کن سرزمین محبوب را یکی از مهم‌ترین آثار ادبی آفریقای جنوبی می‌دانند که در قالب حماسه به مبارزه سیاهپوست‌ها برای پابرجا ماندن پرداخته است. هنگامی که این کتاب برای نخستین بار منتشر شد، بیشترین فروش بین‌المللی را برای نویسنده‌اش یعنی آلن پیتون به همراه آورد. این داستان توانست اثرات سیاست‌های تبعیض نژادی را برای غربی‌ها قابل لمس و دیدن کند و از این طریق جایی همیشگی برای نقد این سیاست‌ها در نقشه سیاسی جهان فراهم آورد. کتاب مویه کن سرزمین محبوب در غرفه امیرکبیر واقع در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، شبستان مصلای امام خمینی(ره)، بخش ناشران عمومی، انتهای راهروی ۲۴ عرضه می‌شود. سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب تهران امروز شنبه ۳۰ اردیبهشت به کار خود پایان می‌دهد.